

به نام خدا

آشنایی با معماری اسلامی :

هنر و معماری در جهان اسلام، دارای چهار شیوه بنیادی میباشد البته شیوه های فردی دیگری در برخی کشورهای اسلامی مانند اندونزی نیز قابل بررسی می باشد.

این شیوه از معماری کهن مصر ناشی شده است و در کشورهای اسلامی: شرق آفریقا، مصر، سودان و کشورهای پیرامون حجاز را در بر میگیرد که در آنجا با شیوه شامی برخورد می کند.

شیوه (سبک) شامی :

این شیوه از هنر و معماری بیزانس ریشه گرفته است و کشورهای سوریه، فلسطین، لبنان، اردن و بخشی از ترکیه را در بر میگیرد و ویژگی های مشترکی با معماری مصری دارد. این شیوه در عربستان با شیوه مصری در آمیخته شد و دستاورد آنها ساختمانهای بیست که در مکه و مدینه دیده می شود.

شیوه مغربی:

این شیوه بسیار پیشرفته و چشم گیر است و در بر گیرنده کشورهای الجزایر، مراکش و جنوب اسپانیا می باشد این شیوه بعدها به دو شاخه یکی در شمال آفریقا بر جای می ماند و دیگری در اندولس (از شهرهای اسپانیا) بر جای ماند.

شیوه ایرانی:

این سبک از همه سبک ها گسترده تر و ارزشمند تر است و در بر گیرنده کشورهای ایران، عراق، افغانستان، پاکستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، عمان، امارات، بحرین و هند می باشد.

اصول معماری ایرانی:

این اصول عبارتند از مردم واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبستگی و درونگرایی

مردم واری:

به معنای رعایت تناسب میان اندامهای ساختمانی با اندامهای انسانی و توجه به نیازهای او در کارهای ساختمان سازی می باشد. معماری همیشه و همه جا هنر وابسته به زندگی بوده است و در ایران بیشتر از همه جا به آن توجه شده است. مردم واری در اندام و فضای ساختمان و اجزای آن چنین نمایان می شود که برای نمونه اتاق سر دری که بیشتر برای خوابیدن بکار می رود به اندازه ایست که نیاز یک انسان را بر آورده کند. اجزائی چون در، پنجره، رف (کف تاقچه) و نیز پستویی که بعنوان رختخواب بکار میرود. و نیز اندازه های متناسب داشته اند. روزنه های بالای پنجره (گلپام) معمولاً دارای شیشه های رنگی مانند: زرد، لیمویی، آبی بوده و برای جلوگیری از ورود گرما به درون از آرسی (فضای گشاده و باز) و یا دیواره یا آسمانه (سقف) را دو پوسته میساختند تا لایه پنجم (عایق) ورود سرما در زمستان و بلعکس این عمل در تابستان را انجام دهد.

پرهیز از بیهودگی:

در معماری ایران تلاش شده است که کار بیهوده در ساختمان انجام نگیرد و از اصراف پرهیز میکردند این اصل هم پیش از اسلام هم پس از اسلام مراعات شده است. اگر در کشورهای دیگر هنرهای وابسته به معماری مانند نگارگری، سنگ تراشی، پیرایه (آزین و تزئین) به شمار آیند در ایران هرگز چنین نبوده است. در معماری ایران همه جا که به زمین می نشستند به دیوار تکیه میدادند و برای پایداری به ظاهر دیوار را با اندودی از گچ که با کتیرا آمیخته بود و به بلندی یک گز (1/6 متر) اندود میکردند که رویه ای سخت بوجود می آوردند که خراشیدن آن هم دشوار بود.

نیارش:

واژه نیارش در معماری گذشته ایران بسیار بکار میرفته است. نیارش به دانش دستیابی فن ساختمان و ساختمایه (مصلح) شناسی گفته میشود. معماران گذشته نیارش را جدا از زیبایی نمیدانستند.

پیمون (مقیاس) در معماری اسلامی اندازه های خرد و کوچکی بودند که هر جا به درخور نیاز ی که بدان بود بکار برده می شد.

خودبستگی:

معماران ایرانی تلاش میکردند که در ساخت مایه مورد نیاز خود از نزدیکترین جاها بدست آورند و چنان نیز میساختند که نیاز به جاهای دیگر نباشد. آنها بر این باور بودند که ساخت مایه باید بوم آورد یا ایدری (بومی، محلی) باشد. به گفته دیگر فرآورده ها یا محصول از همان جا باشد که ساختمان ساخته میشود و تا آنجا که شدنی است از امکانات محلی بهره گیری می شود. اساساً یکی از

انگیزه های بنیادی در ساخت آسمانه طاقی و گنبدی شکل و بهره گیری گسترده از آنها این بوده که چوب مناسب برای ساختمان سازی در همه جا یافت نمیشده ولی استفاده از خشت و آجر در همه جا آسان بوده است.

درون گرایی :

یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و عزت نفس ایرانیان بوده است که این امر به گونه ای معماری ایران را درونگرا کرده است، البته خانه های برونگرا در برخی از مناطق ایران ساخته شده است مانند : کردستان ، لرستان ، و شمال ایران و ... در سرزمینهای میانی و گرم و خشک ایران خانه های در خور و مناسب برای خشکی هوا و بادهای آزار دهنده و شن های روان و آفتاب سوزان ساخته شده است.

سبک های معماری ایران:

1. سبک پارسی: نخستین شیوه معماری ایران است که از روزگار هخامنشیان تا حمله اسکندر به ایران، یعنی از صده ششم پیش از میلاد تا صده چهارم میلادی را در بر می گیرد.

2. معماری پیش از پارسی : تا قبل از کوچ آریایی ها به ایران تیره ها و ملت های نه چندان شناخته شده ای در ایران ساکن بودند که معماری پیشرفته ای داشتند. تپه زاغه یکی از مراکز اولیه استقرار کشاورزی در ایران بوده است این مکان که در دشت قزوین قرار دارد در مجموع زاغه 21 خانه بدست آمده است انتخاب جهت این خانه ها که بیشتر به شکل چهار گوش بوده موضوع مهمی است. جهت طولی این خانه های مستطیل شکل در نقشه شمال شرقی به جنوب غربی و بلعکس بوده و این باعث نفوذ نیافتن بادهای نامناسب است. ایلامیان مردمی هستند که نژادشان ناشناخته است و آنها تا حدودی از فرهنگ سومری تاثیر پذیرفته بودند و همچنین آنها به چند خدا اعتقاد داشتند و چندین هزار سال در دشت خوزستان ساکن بودند و سرانجام به دست آشوریان از بین رفتند. مرکز تمدن ایلام شهر شوش بود و این شهر دارای همه عناصر حکومتی مانند ارگ و بویژه یک نیایشگاه به نام زیگورات که شباهت زیادی به معماری پیشرفته سومریان دارد.

در هفت تپه خوزستان باز مانده معماری ایلام هنوز پابرجاست - زیگورات ارزشمند از بازمانده از معماری ایلامی به 250 سال پیش از میلاد بر میگردد ، این ساختمان دارای چند اشلوب (طبقه) می باشد. که همگی از خشت ساخته شده اند و روی آن با آجر نماسازی شده است و هر اشلوب از زیرین کوچکتر است و ساختمان را پله پله نشان می دهد. طرح اصلی زیگورات مربعی به اضلاع 105 متر است و نکته مهم در زیگورات آن است که گوشه های مربع دقیقاً در چهار جهت اصلی قرار گرفته است در دهه هشتم و نهم قبل از میلاد در شمال باختری و شمال غرب ایران و شرق آناتولی (ترکیه) اقوام آراتو با فرهنگی پیشرفته ساکن بودند.

آنها بومیانی بودند که از پیش از کوچ آریایی ها در ایران ساکن بودند تمدن آنها از تمدن آشوری و بابلی گرفته شده بود آنها تا اواخر صده هفتم که ارمنی ها حکومت وان را به دست گرفتند حکومت میکردند روش نیارش (فن اجرای ساختمان) آراتورها به صورت تیر و ستون و آسمانه تخت بوده است، ساختمانهای آنها چهار گوش بوده و نیایشگاههایی با تالار ستون دار داشتند که بیشتر بر روی سکویی قرار گرفته بودند آنها سر ستونها را پیچک دار میساختند و ساخت مایه اصلی آن سنگ و چوب بود و نیز آنها گونه ای ساختمان داشتند به نام کلاوه که دارای دو طبقه بود و به دلیل امنیت در طبقه دوم زندگی می کردند و با نردبان به آن دسترسی داشتند و طبقه اول تنها بعنوان انبار استفاده میشد از ساختمانهای آراتویی میتوان به تپه صمن لو و دژهای پیرامون دریاچه وان اشاره کرد.

معماری پارسی :

یکی از ساختمانهای به جا مانده از مادها تپه نوشیجان می باشد کهز صده هفتم پیش از میلاد بر جای مانده است و ساختمان مرکزی آن دارای چند تالار است و طاقها از گونه جناقی هستند که با روش ضربی آجر چینی شده اند نمونه ای دیگر از معماری مادها استودانها (استخوان+دان) میباشد و در آن زمان بدترین کارها آلوده نمودن 4 عنصر (آب ، باد ، آتش ، خاک) می دانستند و به همین دلیل مردگان را خاک نمیکردند. بعد ها در روزگار هخامنشیان مرده را روی شبکه ای فلزی و آهنی در محلی به نام کریاس خانه قرار میدادند مرده کشته مرده ها را در دخمه (دخ یعنی دور افتاده) می گذاشتند. دخمه ها معمولا در بیرون آبادیها و در درون صخره ها قرار می دادند و شکل آنها برجی و گرد بود و در نیز نداشت و با نردبان آهنی از آن بالا میرفتند و مرده را درون آن قرار می دادند و مرده را با سنگ میبستند تا جانوران و لاشخورها نتوانند استخوانها را بدزدند و بعد از چندین روز استخوانها را درون استودانها قرار می دادند تا مستقیم با خاک تماس پیدا نکنند. یکی از ویژگی های ایرانیان کهن و هنرمندان باور به تقلید درست داشتند که آنها را بهتر از هر نو آوری کمک میکرد. در معماری پارسی آسمانه تخت و تیر و ستون اجزای اصلی ساختمان به شمار میرفته است .

نباید شیوه معماری پارسی را همان ساختمانهای ساده ای که در سرزمین های غرب و شمال غرب ایران در برگرفته دانست ، اما پدیده جدید که با گسترش فرمانروایی پارسها روی میدهد همکاری هنرمندان مختلف از سرزمینهای گوناگون در حال کار ساختمان سازی می باشد . با وجودی که اوزیر ساختمانها آن روزگار از سنگ بوده است اما از دیوار خشتی نیز آن زمان برای پنام(عیاق) بهره گیری شده است . در شیوه پارسی آرایه های بکار رفته هر کدام منطق خاصی داشته است ، آرایه های سرستون در معماری ایران ریشه کهنی دارد ، هنر پیکره سازی (مجسمه سازی) در ایران مانند دین های پیش از اسلام و هم دین اسلام موردپسند نبوده و همانند بت پرستی آن را نمی پذیرفتند و در ایران آنچنان رواجی نداشت . معماری دوره نخستین پارسی برگرفته از معماری اراتورها بوده است ، ساختمانهای تخت جمشید 5 صده پیش از میلاد ساخته شده است و عبارتست از: پله کان بزرگ ورودی، دروازه ملل، کاخ آپادانا ، تالار صد ستون ، ورودی کاخ مرکزی، تالار شورا و خزانه شاهی که در تمام ساختمانها درونگرایی به خوبی دیده می شود.

ستونهای تخت جمشید از بزرگترین ستونهای ساخته شده تا آن زمان در دنیا می باشد در رابطه با ریشه یابی سرستونهای تخت جمشید باید گفت که ریشه آنها ایرانی استو در کاخ شوش نیز این درونگرایی دیده میشود و طرح ساختمان به گونه ای بوده که کمترین تابش آفتاب به درون آن بتابد. برخی از فضاهای درونی آن در روبروی خود تالاری داشته است و درها و پنجره ها رو به میانسرا (حیاط) هستند و دیوارها گرداگرد میانسرا پیش آمدگی هایی همچون ایوانچه یا بالکن داشته اند به طور کلی ویژگی شیوه پارسی را میتوان این چنین بر شمرد :

1. بهره گیری از شیوه آراتورها در طرح فضاهای راست گوشه در تالارهای ستوندار و کلاوه ها

2. ساخت ساختمانها روی سکو و تخت گاه

3. درونگرایی

4. ارتباط دادن بخشهای فرعی همچون آشپزخانه ها، راههای پنهانی ساختمان است

5. ساخت سایه بان و آفتابگیر در جاهای ضروری

6. بهره گیری از آسمانه خمیده و طاق در زیر زمین ها

7. پرداخت کف با بهترین ساخت مایه ها

8. آرایش فضاهای درونی با کاشی لعابدار

9. استفاده از دیوارهای جدا کننده با خشت

شیوه پارت :

تیره پارتی یکی از شاخه های نژاد آریایی است که در کتیبه داریوش اول سرزمین آنها پرتو نامیده شده است و در برگرنده خراسان بزرگ ،ماورالنهر،افغانستان بوده است . پس از حمله اسکندر یونانی ها تلاش داشتند به گونه ای عقیده و فرهنگ خود را به ایرانیان تحمیل کنند ولی موفق نشدند. معماری پیشرفته ترین هنر یونانی است و به خاطر ظرافت و نظم و تزئینات ویژه آن در طول تاریخ در معماری اروپا چندین دوره از آن تقلید شده است ولی بدلیل ساخت مایه در ایران گسترش نیافت و به فراموشی سپرده شد و در این دوره از اصل جفت جفت یا قرینگی بهره گیری شده است . در ساختمانهایی که برای نیایش ساخته شده اند مانند مهرآه ها و کاخهای پذیرایی که میبایست در آنها دید انسانی به یک نقطه معطوف و متوجه شود از قرینگی بهره میبردند ولی بلعکس در ساختمانهایی با

کارکرد مسکونی مانند خانه ها و کاخها که باید در آن تنوع ایجاد کرد اینکار را با بهترین نحو انجام می دادند . یکی از دلایل کنار گذاشتن شیوه معماری یونانی در ایران را نوع ساخت مایه موجود دانستند که در هر حال با وجود جذابیت تمدن یونانی، پارتها به دنبال آن نرفتند و حتی معماری دوره هخامنشیان را هم دنبال نکردند و از طرف دیگر برای رسیدن به خود بسندگی و استفاده از ساخت مایه بوم آورد (ایدی) که نمیتوانستند همانند هخامنشیان از راههای دور به دست آورند و سعی میکردند همانند ایرانیان از ساخت مایه بوم آورد بهره گیری کنند و به نوآوری بزرگی در طول تاریخ بشری دست یابند . همانطور پوششها در دهانه های بزرگ و گنبد ها در پلانهای چهار گوش می باشد، برخلاف شیوه پارسی از شیوه پارتی نمونه های زیادی بر جای نمانده است، کاخ آشور یک بنای چهار ایوانی است اینگونه نقشه ها صد سال در ایران بکار برده شده اند، کاخ دارای سه میانسرا است که رواقی گرداگرد یکی از آنهاست . معبد ناهیتا همانند تخت جمشید ستونهایی از سنگ تراش دارد ورودی آن از سنگ لاشه استفاده شده است . آتشکده نیاسر کاشان قرن سوم میلادی یکی از ساختمانهایی است که 150 سال پیش برای حفظ اصالت آن بازسازی شده است و استفاده از چهار طاقی و گنبد در آن مشاهده میشود و ویژگی های این دوره عبارتست از:

گوناگونی در طرح ها، بهره گیره از اندامهای گوناگون، جفت سازی در نیایشگاهها و کاخ های پذیرایی، پاد جفت سازی در سقف مسکونی و خانه ها، درونگرایی، بهره گیری از میانسرا ها، شکوه و عظمت دادن به ساختمان ها با بلند ساختن آنها، بهره گیری از آسمانه های خمیده و گنبدی، بهره گیری و پی سازی با سنگ لاشه، گچ بری با خطوط شکسته و خمیده، ساخت مایه بوم آورد خشت و سنگ لاشه

سبک خراسانی:

از شش شیوه معماری ایرانی دو شیوه پارسی و پارتی پیش از اسلام و چهار شیوه خراسانی، رازی، آذری، اصفحانی از آن دوره اسلامی می باشد و دنبال دگرگونی های پس از آمدن اسلام به ایران پدیدار شد نکته مهم دیگر در مورد اصالت این شیوه است و عربها برای شیوه بعد از اسلام نام هایی را بکار بردند که هیچکدام اصالت ایرانی را ندارند مانند معماری دوره اموی یا عباسی . اما میدانیم هیچکدام از کشورها و ملت ها مانند ترکها و عربها نمی توانستند در معماری کشوری که پیشینه معماری چند هزار ساله دارد کارساز باشند چون در آن زمان معماری ارزشمندی نداشته اند . شیوه خراسانی در صده نخست هجری پدید آمد و تا صده چهارم ادامه یافت، آنچه درباره فرهنگ این زمان پدیدار است این است که دگر گونی های فرهنگی بیشتر در خراسان رخ می داد . این سرزمین زادگاه نخستین نمونه های هنر معماری اسلامی است و از آنجایی که شهرهایی نظیر دامغان و یزد رسیده است و با پدیدار شدن اسلام و پذیرش آن از سوی ایرانیان، دگرگونی هایی در ساختمان سازی رخ داد که عبارتست از:

1. پس از اسلام با الگو گرفتن از باورهای اسلامی، ساختمانها مردم وار تر شدند گرچه در شیوه پارسی مردم واری و پرهیز از بیهودگی نمایان بود ولی این ارزشها پس از اسلام نمایان تر شد و پس از شیوه خراسانی در شیوه رازی و آذری ساختمانها را شکوهمند تر ساختند ساختند و از مردم واری دور گشتند مانند سر در مسجد جامع یزد.
 2. در شیوه های پیشین برابر شرایط ساختمان سازی کیفیت ویژه ای یافت و برای نمونه در شیوه پارتی در روزگار اشکانیان ساختمانها را با سنگهای پلاک تراش با ریزه کاری بیشتری ساخته می شدند اما در دوره دوم زمان ساسانیان چون به ساختمانهای بیشتری نیاز داشتند ساختمانها را با سنگ لاشه می ساختند و بدین گونه بود که کیفیت ساختمان سازی افت کرد و این پدیده نیز بعد از اسلام رخ داد و ساختمانهای شیوه آذری هرگز به کیفیت شیوه رازی که پیش از آن بود ساخته نمی شد یا در شیوه اصفحانی ساختمانها با سرعت بیشتری ساخته می شد چون به تعداد بیشتری احتیاج بود.
 3. از دیدگاه نیارشی (سازه ای) معماری شیوه خراسانی با شیوه پارتی تفاوتی نکرد.
 4. ساخت مایه ای که در این روش بکار میرفت بوم آورد (ایدری) بود برای نمونه در مسجد جامع فهرج یزد، دیواره های چینه ای از گل فهرج و ستونها از خشت است و آجرهای بکار رفته در تاری خانه دامغان نمونه های دیگر از این دست می باشد. یکی از نمونه هایی که در این شیوه پدیدار شد و در معماری ایران همواره جایگاه ارزشمندی دارد و آن مسجد است. معماری مسجد های نخستین بر گرفته از ته رنگ مسجد مدینه می باشد این گونه طرح مسجد توسط مسلمانان به ایران رسید و در مسجد های ایران نیز به کار رفت.
- به طور کلی ویژگی های معماری این شیوه بدین گونه می باشد: 1. سادگی بسیار در طراحی 2. پرهیز از بیهودگی 3. مردم واری 4. بهره گیری از ساخت مایه های بوم آورد. یکی از اصیل ترین ساختمانهای شیوه خراسانی مسجد جامع فهرج یزد می باشد این مسجد شاید کهن ترین مسجد ساخته شده در ایران باشد، و ویژگیهای نیارشی شیوه پارتی را دارا است که ته رنگ و جایگاه میانسرا، شبستان و صفا ها به طور واضحی آشکارا آنرا اثری از معماری اسلامی معرفی مینماید که از نخست برای مسجد ساخته شده است و مانند مسجدهای ساخته شده در صدر اسلام است و دارای طراحی بسیار ساده و بی پیرایه، آرایه های گچ بری و پیچش های ستون های آن همانند آرایه های طاق کسری در تیزفون است از همین رو بیننده در نگاه اول آنرا اثری از دوره اسلامی نمی شمارد و با اینکه مناره آن که احتمالاً در صده چهارم یا پنجم هجری به آن الحاق شده است و همچنان هم با مسجد جفت و جور نشده است، نقشه مسجد جامع فهرج بسیار ساده میباشد حتی ساده تر از تاری خانه دامغان، شبستانی با سه دهانه که دهانه میانی آن بزرگتر از دو دهانه چپ و راست آن است و جفت های (قوسها) همه آنها خاکی (بیضی) طاقها نیست و آهنگ ناوی (کوره پوش) میباشد.

سبک رازی :

چهارمین شیوه معماری ایرانی است که همه ویژگی های خوب شیوه پیشین را با بهترین گونه دارا می باشد، در این شیوه، نقص شیوه پارسی، شکوه شیوه پارتی، و ریزه کاری شیوه خراسانی با هم پدیدار شده است و آغاز کار این شیوه هر چند از شمال ایران بوده است ولی در شهر ری پا گرفته است و بهترین ساختمانها در آن شهر ساخته شده است، گرچه در پی غارت شهر به دست محمود غزنوی از میان رفته است و این شیوه از زمان آل زیا شروع و در زمان آل بویه، سلجوقی، اتابکان و خوارزمشاهیان پیدا میکند. ذکر این نکته مهم است که در اواخر شیوه خراسانی بناهایی را داریم که به شیوه رازی می خورد، بنای مقبره ای امیر اسماعیل سامانی، مزار ارسلان جاذب و مناره ایاز با وجود اشتراک زمانی با شیوه خراسانی، جزء بناهای اولیه شیوه رازی میباشند و فرهنگ و تمدن در این دوره به حد امکان تکامل و پیشرفت یافت. شهر ری که نام دیگر آن شهر راز است محل پیدایش این شیوه دوره بنا به نقل قولها بسیار آباد بوده است

نوع معماری = در اواخر شیوه خراسانی ساختمانهایی ساخته شدند که به شیوه رازی نزدیک بودند مانند مثالهایی که گفته شد. در شیوه رازی ساختمانها با کاربرد گوناگون پدید آمدند مانند برج چهار گوش و میل ها، آرامگاههای برجی با شکل چهار گوشه و پنج گوشه و شش گوشه و هشت گوشه و استوانه ای که گرداگرد آنها پره دار ساخته میشد. پنج گوشه که در دوره های بعد ساخته شد مانند گور بابا رکن الدین در اصفهان. نمونه پره دار آن مانند گنبد قابوس و در کوران پشت یزد نمونه پنج و شش گوشه آن یافت می شود و نمونه برجهای چهار گوشه که فراوان یافت میشود. میل ها یا برجهای راهنما برای راهنمایی مسافران در بیابان ساخته میشد و علاوه بر راهنما بودن مقبره سازنده خود نیز بودند مثل میل رادکان. در این شیوه برخی مسجدها دارای شبستانهای ستون دار چهار ایوانی تقییر یافتند البته ایوان یکی از فضاهایی بوده که پیش از اسلام نیز در ایران ساخته میشده و بدین گونه دوباره بکار گرفته شد.

با برداشتن ستونهای نزدیک به محراب مسجد، و ستونهای میانی در پهلوی های میانسرا (گوشه حیاط) مسجد را به میانسرای با چهر ایوان و یک گنبد خانه روی طرح شبستان تبدیل کردند، نمونه آن مسجد جامع اصفهان است که در شیوه خراسانی به گونه شبستان ستوندار ساخته شده است و همچنین مسجد جامع اردستان نیز به این شیوه میباشد. برخی مسجد زواره، در اصفهان را نخستین مسجدی می دانند که نخست به شکل چهار ایوانی ساخته شد اما تحقیقات تازه نشان میدهد که پیش از آن بنای دیگری روی آن ساخته شده است. در شیوه رازی ساخت طاق و گنبد بسیار پیشرفت کرد و گونه ای چفد تیزه دار (قوس تیز) در طاق گنبد بکار رفت، گنبد قابوس یکی از خوش تناسب ترین ساختمانهای جهان در صده هجری است که در گرگان ساخته شد این ساختمان که یک میل راهنماست که هم نشان شهر بوده و هم گور قابوس بنیان گذار این ساختمانمی باشد. کتیبه ای که در بالا و پایین میل گرد آن نوشته شده است نشان میدهد که ساختمان در زمان قابوس ساخته شده و جالب است که تاریخ ساخت هم به قمری و هم سال یزدگردی نوشته اند.

سبک آذری :

سرزمین آذربایجان در معماری ایران در رده نخست اهمیت قرار دارد چرا که سه شیوه معماری ایران (پارتی، اصفهانی، آذری) از آنها سرچشمه گرفته است و به دیگر نقاط جهان و سراسر کشور رسیده است، با توجه به اینکه آب و هوای سرد کوهستانی آذربایجان این شیوه را پدید آورده بود که شاید با آب و هواهای دیگر سازگار نبود، باز هم پرداختگی و مردم واری شیوه پارسی چنان چشم گیر بود که حتی در سرزمینهای سوزانی چون کرانه های دریای پارس با همه ویژگی هایش، خود نمایی میکند. بار دومی که آذربایجان پدیدآورنده شیوه معماری نو در ایران شد پس از حمله مغولها بود، این یورش سراسر ایران بویژه خراسان را از نظر معماری تهی ساخت و معمارانی که توانسته بودند فرار کنند و به سرزمین های جنوبی ایران پناه آورند و در آنجا هنر خود را به نمایش بگذارند.

شیوه آذری دارای دو دوره میباشد که دوره اول از زمان هولاکو (یکی از جانشینان چنگیز خان مغول) و پایتخت شدن مراغه و دوره دوم در زمان تیمور و پایتخت شدن ثمرقند.

در این دوره معماران بزرگی چون قوام الدین شیرازی و پسرش قیاس الدین و همچنین زین العابدین شیرازی، در خراسان بزرگ شکوفا شدند و سازنده ساختمانهای بزرگی در آنجا شدند. ویژگی زمانی در این شیوه بسیار کار ساز بوده و نیاز به ساخت ساختمانهای بزرگ احساس میشد و بایستی هر چه سریعتر ساخته میشد که از همین جهت شتاب ساخت و ساز در این دوره مشهود می باشد. بنابر این به پیمون بندی و بهره گیری از عناصر یکسان روی آوردند تا ساختمانها سازه وار و اندام وار باشند. علاوه بر این با از بین رفتن هنرمندان و معماران در دوره نخست، ساختمانهایی ساخته شد که کاستی ها و خطا های بسیاری داشت و حتی در گزینش شهرها نیز اشتباهاتی بود، برای نمونه در زمان الجاتیو چون چمن زار سلطانیه را دوست داشت آنجا را پایتخت خود قرار داد اما این جایگاه کشش طبیعی شهر را نداشت و حتی با اینکه راه دسترسی شهر را دگرگون ساخت، پس از مرگ او این شهر نیز آبادانی خود را از دست داد و در زمان صفویان به محل اتراق لشکریان تبدیل شد.

یکی دیگر از ویژگی های معماری این شیوه، بهره گیری بیشتری از هندسه و تنوع طراحی در ساختمان در نهان (پیش آمدگی ها) و نخیز (فرو رفتگی ها) نمایان است و همچنین در این شیوه ساختمانهایی با اندازه های بسیار بزرگ ساخته شد که در شیوه های پیشین مانند نداشت مانند مسجد علی شاه و گنبد سلطانیه در تبریز، انواع نقشه ها با میانسرای چهار ایوانی برای میانسرا ها و مدرسه ها بکار رفت و آرامگاهها مانند گذشته برونگرا و بیشتر با ته زنگ چهار گوشه به ویژه در دوره دوم ساخته شدند که نمونه آن در آرسن (مجموعه) شاهزاد ثمرقند بود که آرامگاه بسیاری از فرمانروایان تیمور می باشد، در شیوه آذری دگرگونی هایی در نیارش ساختمانه به وجود آمد و در دوره نخست آن که زمان آمیختگی شیوه های پیشین با معماری بومی آذربایجان است از چفد کیل آذری که در آن سرزمین بوده بهره گیری شده است، این چفد در همه جای ایران به همین نام خوانده می شود همچنین در این شیوه چفد پنج ا هفت

دگرگون شده است و گمان میکردند از نسبت پنج اُ هفت گرفته شده است از این رو چفد را به گونه ای میزدند که نسبت افراز به نیم دهنه آن پنج به هفت باشد ولی چفد بدست آمده پایداری پنج اُ هفت را نداشت و ترک بر میداشت و این نقص در دوری معماری قوام الدین و زین العابدین شیرازی درست شد . و در این شیوه از چفد چمانه بسیار استفاده میشد در ایوان مسجد جامع یزد چفدها چمانه است و گنبدی که با چفد چمانه ساخته شود گنبد بهبویی گویند و گنبد سلطانیه بهبویی است (چفدی که 360 درجه دور خودش بچرخد گنبد گویند). نوع دیگر چفد شبدری تند و کند بود که بخصوص در گنبد های دو پوسته ساخته میشد که بسیاری از گنبد های خراسان از این نوعند(دوپوسته به خاطر عایق حرارتی و صوتی) .

در شیوه رازی آجر کاری و نما سازی همراه با سفت کاری انجام میشد و ساختمان پایدارتر و نماسازی آن ماندگارتر بود اما در شیوه آذری ساختمان با خشت و سنگ لاشه یا سنگ کلنگی و با شتاب ، به گونه زبره (بدون نما) میساختند و سپس آمود(سفت کاری و اندود رویه) و نما سازی به آن افزوده میشد که با پوسته ای از آجر گره سازی آجری ، همراه بود یا با گچ اندود و نقاشی روی آن کار می شد . و گاه نیز گره سازی به صورت درهم (مُعَقَلی) برای آمود بکار می رفت و به تدریج از کاربرد آجر کاسته شد و جای خود را به کاشی لعابدار و نهال نگارین (نقش و نگار) برجسته که یکی دیگر از نمونه های آمود، کاشی تراش یا معرق بود که تا پیش از این بکار رفته است . کاشی تراش یا معرق در این شیوه بسیار پیشرفت کرد و در دوره دوم استفاده از کاشی هفت رنگ متداول شد.

شیوه اصفحانی :

آخرین شیوه معماری ایران است. معماری بومی آذربایجان پدید آورنده سه شیوه معماری ایرانی از جمله اصفحانی بود و بعدها خواستگاه این شیوه اصفحان شد و چون بهترین ساختمانها این شیوه در این شهر ساخته شد این شیوه را به نام شیوه اصفحانی خواندند.